

word:	definition:	Example 1:
Corpse جنازه - جسد	a dead body, usually of a person جسد ، معمولاً مربوط به شخص	When given all the data on the corpse, Columbo was able to solve the murder. زمانی که تمامی حقایق درباره جسد مشخص شد، کلومبو توانست جنایت را کشف کند
Conceal پنهان کردن - پوشاندن	hide پنهان کردن	Tris could not conceal his love for Glori تریس نمی توانست عشق خود به گوریا را پنهان کند
Dismal غمگین	dark and depressing تاریک و دلگیر	When the weather is so dismal, I sometimes stay in bed all day. زمانی که هوا گرفته است تمام روز را در رختخواب می مانم
Frigid خیلی سرد	very cold خیلی سرد	It was a great hardship for the men to live through the frigid winter at Valley Forge. برای انسان بسیار سخت است که تمام طول زمستان خیلی سرد را در درخ فورج سپری کند
Inhabit ساکن شدن	live in اقامت داشتن در	Eskimos inhabit the frigid part of Alask اسکیموها در منطقه قطبی آلاسکا زندگی می کنند
Numb بی حس	without the power of feeling; deadened بدون قدرت احساس ، کرخت	My fingers quickly became numb in the frigid room. انگشتانم در اتاق خیلی سرد به سرعت بی حس شدند
Peril مخاطره خطر -	danger خطر	The hunter was abandoned by the natives when he described the peril which lay ahead of them. زمانی که شکارچی توضیح داد چه خطری پیش روی بومی هاست، او را ترک کردند
Recline تکیه کردن	lie down; stretch out; lean back خوابیدن ، دراز کشیدن ، لم دادن	Richard likes to recline in front of the television set. ریچارد دوست دارد جلوی تلویزیون دراز بکشد
Shriek جیغ کشیدن	scream جیغ زدن ، جیغ	The maid shrieked when she discovered the corpse. وقتی دوشیزه جنازه را پیدا کرد، جیغ کشید

Sinister	شیطانی	evil; wicked; dishonest; frightening	پلید ، پست ، متقلب ، وحشتناک	The sinister plot to cheat the widow was uncovered by the police.	پلیس نتوانست دسیسه شیطانی برای فریب زن بیوه را فاش کند
Tempt	وسوسه	try to get someone to do something; test; invite	تلاش به وادار کردن کسی به انجام کاری ، امتحان کردن ، دعوت کردن ، وسوسه کردن	A banana split can tempt me to break my diet.	دسر موز می تواند مرا وسوسه کند، تا رژیم غذایی ام را بشکنم
Wager	شرط بندی	bet	شرط	I lost a small wager on the Superbowl.	من شرط کوچکی را در سوپر باولینگ باختم